

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام
سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۲
صفحات ۱۰۷ - ۱۳۰

تأثیر مسجد در انقلاب مشروطیت ایران^۱

علیرضا علی صوفی^۲

هوشنگ خسرو بیگی^۳

حسن زندیه^۴

فرهاد دشتکینیا^۵

چکیده

این مقاله، به بررسی کارکردهای سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت ایران می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که مسجد در انقلاب مشروطیت چه تأثیری گذارد و چه عواملی سبب شد تا مسجد در انقلاب مشروطیت کارکرد سیاسی داشته باشد. مسجد در مراحل مختلف انقلاب مشروطیت، پیش از صدور فرمان مشروطه، در مرحله نهادسازی‌های انقلاب و پس از انقلاب، بازوی رسانه‌ای و تبلیغاتی مشروطه‌خواهان، کانون تجمع‌ها و بسیج توده مردم و محل تشکیل انجمن‌های سیاسی بود. این مقاله کارکردهای سیاسی مسجد را در مراحل سه‌گانه انقلاب مشروطیت و عوامل مؤثر در نقش‌آفرینی سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت بررسی می‌کند.

کلیدواژگان

مسجد، مشروطیت، کارکرد سیاسی، روحانیان، قاجاریه.

^۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۰

^۲. استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور. ar.soufi@yahoo.com

^۳. دانشیار تاریخ دانشگاه پیام نور. kh_beagi@pnu.ac.ir

^۴. استادیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران. zandiyehh@yahoo.com

^۵. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). farhad_dashtakinia@yahoo.com

طرح مسئله

کارکرد سیاسی، از کارکردهای مهم مسجد در دوره قاجار بود که از آغاز حکومت قاجاریان تا سقوط آنان با صورت‌بندی‌های گوناگونی داوم داشت. جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت، از مهم‌ترین روی‌دادهای سیاسی دوره قاجار بود که مسجد در کانون آن روی‌داده‌ها قرار داشت. تأثیر سیاسی مسجد در زمینه‌سازی، پشتیبانی انقلاب مشروطیت و نگاه‌بانی از دست‌آوردهای آن، در سنجش با تأثیرش در دیگر جنبش‌های سیاسی دوره قاجار، ویژگی‌های گوناگون و لایه‌های گسترده‌تری داشت. موضوع اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی نقش‌آفرینی مسجد در این انقلاب است. با توجه به این مسئله که نقش اصلی مسجد به کارهای دینی و فرهنگی معطوف بود، این پرسش مطرح می‌شود: «چرا مسجد افزون بر کارکرد ذاتی خود، در دگرگونی‌های سیاسی دوره قاجار به‌ویژه در جنبش‌های سیاسی مانند انقلاب مشروطیت تأثیر گذارد و این نقش مسجد، به چه شکلی رخ نمود؟» گمان می‌رود افزایش کنش سیاسی روحانیان این دوره و نقش‌آفرینی آنان در جایگاه رهبران انقلاب مشروطیت که مسجد پایگاه سنتی آنان به شمار می‌رفت، نبود فضاهای عمومی شهری برای تحصن و نگرانی مشروطه‌خواهان از ناامنی در برابر حکومت قاجار سبب شد که فعالان انقلاب مشروطیت ایران، مسجد را کانون حرکت مشروطه‌خواهی خود برگزینند و در سه حوزه رسانه‌ای و تبلیغاتی، بسیج توده‌های مردم و محل تشکیل انجمن‌های سیاسی، از آن بهره گیرند. نقش‌های سه گانه مسجد در انقلاب مشروطیت در مراحل سه گانه آن؛ یعنی «پیش از صدور فرمان مشروطیت»، «نهادسازی‌های انقلاب» و «پس از انقلاب» با فراز و نشب‌هایی داوم یافت. این مقاله به بررسی کارکرد سیاسی مسجد و عوامل مؤثر در سیاسی شدن مساجد در هنگامه انقلاب مشروطیت پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌هایش، کتابخانه‌ای است. آن دسته از مساجدی که در انقلاب مشروطیت از دید سیاسی تأثیر گذاردند، در قلمرو موضوعی مقاله جای می‌گیرند. بنابراین، بسیاری از مساجدی که در انقلاب مشروطیت تأثیرگذار نبودند، از این قلمرو بیرونند. این مقاله با هدف بررسی کارکردهای سیاسی نهادی از

مهم‌ترین نهادهای فرهنگی ایران در جنبشی از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی تاریخ ایران در دوره قاجار، نوشته شده است.

عوامل مؤثر در نقش‌آفرینی سیاسی مسجد

الف) افزایش کنش سیاسی روحانیان دوره قاجار

میان افزایش کنش سیاسی روحانیان دوره قاجار و نقش‌آفرینی سیاسی مسجد در آن دوره، نسبتی استوار برقرار بود. مسجد پایگاه سنتی روحانیان به شمار می‌رفت و تغییر در یکی از این دو متغیر، تغییر در متغیر دیگری را در سطح‌های گوناگون در پی داشت؛ چنان‌که پس از ورود روحانیان به عرصه سیاسی، پایگاه آنان نیز از این کار بر کنار نماند و نقش‌آفرینی سیاسی نیز بر کارکردهای پیشین آن افزوده و در انقلاب مشروطیت نمایان‌تر شد. برای پرداختن به دگرگونی نقش مسجد در دوره قاجار، پرداختن به دگرگونی در وضع متغیر دیگر؛ یعنی روحانیان ناگزیر است.

کنش سیاسی روحانیان دوره قاجار از آغاز تأسیس حکومت قاجار، آشکارا فزونی گرفت. پس از پایان بحران‌های نظامی اوایل دوره قاجار، فتحعلی شاه برای تثبیت جایگاه حکومت قاجار و کسب مشروعیت و مقبولیت عمومی برای آن، سیاست‌های گوناگونی را در پیش گرفت. نزدیک شدن او به روحانیان، از سیاست‌هایی بود که به مشروعیت مذهبی حکومت قاجار می‌انجامید. فتحعلی شاه برای کسب این مشروعیت، به برخورداری از پشتیبانی روحانیان نیاز داشت و همین نیاز، از عوامل مؤثر در افزایش نفوذ روحانیان در حاکمیت نخستین قاجاریان بود. اگرچه روحانیان به سبب چیرگی‌شان بر بسیاری از مراکز و امور حقوقی، قضایی، عقود و زناشویی، وصایا و معاملات، بهره‌مندی از سیاست بست‌نشینی، سیاست حمایت از مردم در برابر ظلم حاکمان و برخورداری از منابع مالی و تولید مدارس و مساجد، به گونه‌ای سنتی جایگاه خود را در سلسله مراتب اجتماعی دوره قاجار در قالب یکی از گروه‌های اجتماعی مرجع، استوار کرده بودند (عضدالدوله، ۱۳۸۹/۹؛ آجدانی، ۱۷)، نزدیکی حکومت قاجار به آنان به انگیزه کسب مشروعیت دینی نیز آنان را در جایگاهی بسی برتر می‌نشانند و به بالا رفتن پایگاه اجتماعی آنان می‌انجامید (زرگری‌نژاد، ۱/۱۱۴).

افزایش نفوذ اجتماعی و سیاسی روحانیان در دوره فتحعلی شاه در کوتاه مدت به سود او فرجام یافت، اما در دراز مدت علما را در جایگاهی برابر با پادشاهان قاجار جای داد. برخی از روی داده‌های دوره فتحعلی شاه قاجار نیز بر اقتدار اجتماعی روحانیان افزود. مانند جنگ‌های ایران و روس که شیخ جعفر نجفی با عنوان «نایب امام»، فرماندهی آنها را به فتحعلی شاه قاجار واگذار (خاوری شیرازی، ۱/۲۹۴؛ خورموجی، ۱۸).

همچنین پس از ماجرای کشته شدن گریبایدوف که میرزا مسیح مجتهد در آن بسیار مؤثر بود، اقتدار علما دوباره فزونی گرفت. این روی داد بر کارکرد سیاسی فتوای عالمان افزون بر کارکرد شرعی آنها دلالت می‌کرد (جهانگیر میرزا، ۱۳۰ - ۱۲۹). در این دوران افزون بر فتحعلی شاه، صدر اعظم‌های او نیز برای تثبیت مقام و جایگاه خود، به روحانیان نزدیک می‌شدند و این خود در افزایش اقتدار روحانیان تأثیر می‌گذارد (اعتمادالسلطنه، ۸۸). روزگار فتحعلی شاه قاجار، دوره ارتقای پایگاه اجتماعی و سیاسی روحانیان بود.

البته شاه قاجار نیز به حضور رقیب داخلی نیرومندی در زمینه قدرت، متفطن شده بود. بنابراین، دوره رویارویی میان شاهان قاجار و روحانیان آغاز شد. سیاست شاه درباره روحانیان، محدود کردن قدرت آنان بود. پس از قدرت گرفتن روحانیان در دوره فتحعلی شاه، محمد شاه صوفی مشرب به کمک صدر اعظم خود به دنبال جلوگیری از افزایش قدرت آنان، بلکه کاستن آن بود. او سفارش‌های روحانیان را در مسائل مختلف نادیده گرفت، حق بست‌نشینی را در خانه علما لغو کرد و محاکم شرع را به محاکم عرف بدل ساخت. کارهای محمد شاه به رویارویی او با روحانیان انجامید. سید محمدباقر شفتی در اصفهان به چنان قدرتی دست یافته بود که حاکم محمد شاه را از آن شهر بیرون کرد و محمد شاه را واداشت که برای رویارویی با او، نیرویی را به اصفهان گسیل کند (فلاندن، ۱۰۳). کوشش‌های محمد شاه برای محدود کردن قدرت روحانیان، بر جدایی حاکمان و روحانیان از یکدیگر افزود و با فزونی گرفتن این جدایی در دوره‌های بعدی، روحانیان در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت در برابر حکومت قاجار صف آراستند.

ناصرالدین شاه درباره روحانیان بیش‌تر به پیروی از سیاست جدش می‌گرایید تا پدرش؛ چنان‌که می‌کوشید با سیاستی متعادل‌تر از سیاست پدرش در این‌باره، زمینه‌ای برای رنجش روحانیان فراهم نکند. او برای نزدیک شدن به روحانیان و استفاده از اقتدار آنان، دختر خود ضیاء السلطنه را به هم‌سری امام جمعه تهران داد (اعتمادالسلطنه، ۴۵۶). او نیز گاهی همانند پدرش به کارهایی برای محدود کردن قدرت روحانیان دست می‌زد (کرزن، ۵۱۲/۱)، اما قدرت آنان به اندازه‌ای فزونی گرفته بود که تا آن زمان چنان قدرتی در علمای مملکت شیعه دیده نشده بود (اعتمادالسلطنه، ۷۸۱). روحانیان در این دوره هم از دید آمار و هم از دید سطح (مجتهد، واعظ، منبری و مداح) و هم از دید کیفی و توانایی‌های علمی، از رشد چشم‌گیری برخوردار شدند. این افزایش کمی و کیفی تنها در تهران رخ نداد، بلکه این دگرگونی در بیش‌تر شهرهای ایران پیش می‌رفت. مهم‌ترین پی‌آمد افزایش کمی و سطح علمی روحانیان در این دوره، ثابت شدن قدرت آنان در جایگاه دومین نیروی قدرت‌مند پس از دولت قاجار بود (دولت‌آبادی، ۵۰/۱) و قدرت آنان در ایالات به اندازه‌ای بود که گاهی از قدرت حاکم ایالت فراتر و مهم‌ترین قدرت ایالت به شمار می‌رفتند (کرزن، ۵۴/۱). برخی از روحانیان بر اثر چنین اقتداری، در مجالس عمومی و بر منبرها، آشکارا از دولت و سلطنت و ولی‌عهد و صدارت بد می‌گفتند (اعتمادالسلطنه، ۹۱۵؛ آدمیت، ۲۵).

با افزایش برخوردهای سیاسی گروهی از روحانیان با جایگاه سلطنت در این دوره، مساجد و منبرها (پایگاه روحانیان) آرام‌آرام نقشی سیاسی و انتقالی بر عهده گرفتند و همین نقش سبب شد که ناصرالدین شاه با خط امین‌الدوله به میرزای شیرازی در سامرا نامه‌ای بنویسد (۱۳۱۰ ق) و از او بخواهد که به روحانیان ایران توصیه کند در کارهای سیاسی مداخله نکنند (اعتمادالسلطنه، ۸۳۲). روحانیان این دوره به علت برخورد سریع‌تر با حوادث و اندیشه‌های زمانه توانسته بودند سطح اندیشه سیاسی خود را به اندازه‌ای بالا ببرند که حتی در اندیشه سیاسی علمای نجف و مراجع خود تأثیر بگذارند (زرگری‌نژاد، ۱۲۴/۱). این رشد نخست در جنبش تنباکو؛ سپس در انقلاب مشروطیت نمودار شد. روحانیان در جنبش تنباکو در کنار بازرگانان در جایگاه گروهی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی به جهان سیاست درآمدند و رهبری جنبش را بر عهده گرفتند

(آدمیت، ۲۷). اگرچه روحانیان در جنبش تنباکو به دو دسته موافقان و مخالفان امتیاز نامه رژی تقسیم شدند، بیش‌تر آنان با این امتیاز نامه مخالف بودند (دولت‌آبادی، ۸/ ۱۰۹) و مستقیم در برابر حکومت قرار گرفتند. روحانیان اهل منبر، در نقد امتیاز نامه رژی و اطلاع‌رسانی درباره روی دادهای مرتبط با جنبش، در کنار بازرگانان و کشاورزان و دیگر معترضان، بسیار تأثیرگذار بودند و در مسجدها به سازمان‌دهی و بسیج نیروها می‌پرداختند. مسجد در بسیاری از شهرها، کانون سازمان‌دهی نیروها برگزیده شده بود. برای نمونه، مردم مشهد از دوم ربیع‌الاول ۱۳۰۹ در مسجد گوهرشاد در اعتراض به امتیاز نامه رژی گرد آمدند (آدمیت، ۶۱). روحانیان در تبریز نیز در مساجد مسلمانانی را که با این امتیاز نامه همراهی می‌کردند، واجب‌القتل و کافر می‌خواندند (همان، ۳۵). بنابراین، هم‌زمان با رهبری روحانیان در جنبش تنباکو، مسجد کانون رهبری سیاسی آنان بود. مهم‌ترین پی‌آمد جنبش تنباکو برای زندگی روحانیان این بود که قدرت آنان بسیار افزایش یافت (عین‌السلطنه، ۱/ ۴۳۲) و آنان بیش از پیش در قدرت سیاسی دخیل شدند و نفوذ دستگاه روحانیت در جایگاه عاملی سیاسی در برابر قدرت، فزونی گرفت. روزگار مظفرالدین شاه دوره‌ای بود که در آن روحانیان هم اقتدار پیشین خود را حفظ کردند و هم در عرصه سیاسی فعال‌تر شدند و سرانجام در مهم‌ترین جنبش سیاسی دوره قاجار در برابر دولت جای گرفتند و رهبری انقلاب مشروطیت را بر عهده گرفتند. آنان در این دوره افزون بر اینکه به بسیج توده‌های مردم می‌پرداختند، مهم‌ترین و مؤثرترین گروه در انتقال اندیشه‌های نوخواهی به مردم کوچه و بازار (حائری، ۵۹) و مهم‌ترین نیروی پشتیبان انقلاب بودند؛ چنان‌که با فرض نبود تأیید آنان، انقلاب بی‌گمان در نطفه خفه می‌شد (همان، ۲). مردم در این انقلاب بیش‌تر به زبان و قلم روحانیان چشم می‌دوختند و چنان‌که در کارهای شرعی از آنان تقلید می‌کردند، در کارهای سیاسی نیز بیش‌تر به علما روی می‌آوردند.

رابطه دولت - روحانیان در این عصر، با نزدیکی دولت به روحانیان (اوایل دوره قاجار) برای کسب مشروعیت و مقبولیت عمومی آغاز شد و به رویارویی مستقیم این گروه اجتماعی با حکومت در ماجرای انقلاب مشروطیت انجامید. سیاسی شدن روحانیان در دوره قاجار افزون بر اینکه از سیاست‌های شاهان قاجار در مواجهه با

روحانیان و روی دادهای سیاسی زمانه سرچشمه می گرفت، از نقش میانجی روحانیان در رابطه میان دولت و مردم متأثر بود. روحانیان بر پایه سنت، پناهگاه مردم در برابر ستم حاکمان بودند. آنان از سویی ناخرسندی های مردم را به حاکمان منتقل می کردند و از سوی دیگر، سخن حاکمان را به مردم می رساندند و بر اثر همین نقش میانجی گری، جایگاه ویژه ای نزد دولت مردان و مردم داشتند. ورود روحانیان به عرصه سیاسی در دوره قاجار، افزون بر پی آمدهایش برای زندگی عمومی توده مردم، به نقش آفرینی سیاسی مساجد انجامید و این خود از ماهیت رابطه میان روحانیان و نهاد مسجد سرچشمه می گرفت. روحانیان اصلی ترین متولیان دین و مسجد تندیس محسوس و کالبد دین و از این رو، این دو با یک دیگر ملازمند؛ چنان که هر یک از واحدهای مستقر در اجتماع در شهرهای ایران دوره اسلامی، در کالبدی خاصی مستقر می شد. مانند قدرت سیاسی در ارگ، اقتصاد در بازار، افراد جامعه در محله ها، نهاد مذهب و متولیان آن در مسجد که مهم ترین نهاد فرهنگی شهرها بود. بنابراین، مسجد افزون بر اینکه نماد نهاد دین به شمار می رفت، کانونی ترین پایگاه متولیان دین نیز بود و با توجه به همین جایگاه، هنگامی که روحانیان (متولیان دین و رؤسای مساجد) در دوره قاجار به حوزه سیاست و کار سیاسی و و سرانجام رهبری جنبش های سیاسی در آمدند، هم زمان پایگاه های آنان (مساجد) نیز به کانون جنبش های سیاسی بدل شدند.

ب) نبود فضاهای عمومی

اینکه مسجدها کانون های تحصن و تجمع معترضان مردم به شمار می رفتند و گروه های درگیر انقلاب در آن جا سازمان دهی می شدند، از کارکردهای سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت بود. علت گزینش مسجد برای تحصن و اعتراض کردن، از رهبری روحانیان انقلاب سرچشمه می گرفت؛ یعنی پایگاه این رهبران (مسجد)، نیز به کانون آن اعتراض ها بدل می شد. نبود محیط های عمومی در شهرها برای تجمع و تحصن نیز بر تأثیر مسجدها در این باره می افزود. ویژگی های پاره های و عناصر و فضاهای شهری ایران دوره قاجار، زمینه را برای تجمعات سراسری فراهم نمی کرد. مهم ترین فضاهای شهری محل تجمع مردم، مراکز و مؤسساتی همچون بازارها، مدارس دینی، آرام گاه امام زاده ها، کاروان سراها، تکیه ها، میدان ها، قهوه خانه ها، حمام ها،

کوچه‌های محله‌ها و مساجد بودند. هر یک از این فضاها و مراکز شهری ویژگی‌هایی داشتند که تجمع عمومی را محدود می‌کردند. برای نمونه، میدان‌ها در شهرهای ایران در دوره قاجار، از سرکوب‌گری حکومت آسیب‌پذیر بود و هرگز برای برپایی اجتماعات سیاسی مردم، کارکرد آشکاری نداشت (سلطان‌زاده، ۴۱۹ - ۴۱۸). هم‌چنین قهوه‌خانه محلی بود که افراد اندکی در آن گرد می‌آمدند و بسیاری از مردم به حضور در آن‌جا گرایش نداشتند. سه مرکز در میان این مراکز و فضاها، شهری، بر اثر ویژگی‌هایشان برای تجمع در آنها فراهم‌تر بودند: بازار، مسجد و آرام‌گاه امام‌زاده. همه این مراکز محل اجتماعات عمومی به شمار می‌رفتند، اما مسجد به‌رغم بازار و آرام‌گاه امام‌زادگان محدود نبود، بلکه گویی تنها جایی به شمار می‌رفت که بسیاری از قشرهای اجتماعی می‌توانستند بدون محدودیت در آن‌جا کنار یک‌دیگر گرد آیند. بازار از سویی بر اثر محدودیت فضای کالبدی‌اش در بسیاری از ولایات نمی‌توانست شمار فراوانی را از افراد در خود جای دهد و از سوی دیگر به علت اینکه قلب اقتصادی شهر به شمار می‌رفت، حاکمان برای سرکوب تجمعات بازار می‌توانست به غارت دارایی‌های بازاریان فرمان دهد و چنین فرمانی، پی‌آمد بدی هم برای بازار و هم زندگی عمومی شهر داشت و موجب گسیختگی فرآیندهای اقتصادی بازار می‌شد. افزون بر این، الگوی اعتراض‌های بازاریان از گذشته تا کنون، بستن بازار و حضور در کنار متحدان دیرین خود؛ یعنی روحانیان در مساجد بوده است که این خود از سیمای شهرهای ایران در دوره اسلامی سرچشمه می‌گرفت. مساجد به‌ویژه مسجد جامع در بیش‌تر شهرها در کنار بازار واقع شده بودند (اشرف، ۲۰ - ۱۸). باری، محدودیت‌های بازار در آرام‌گاه‌های امام‌زاده‌ها نبود. حتی آرام‌گاه‌ها زمینه‌ای برای بست نشستن نیز فراهم می‌آوردند؛ چنان‌که انقلابیان مشروطیت نیز از این ویژگی بهره‌ها بردند، اما همه ایالات امام‌زاده نداشتند تا آرام‌گاهش به محل تجمعات بدل شود. مسجد بر اثر ویژگی‌هایش مهم‌ترین فضای شهری بود که می‌توانست معترضان را در خود گرد آورد؛ زیرا محلی نامحدود برای حضور افراد (با هر سن و جنسیت و قشر و طبقه و لایه‌ای از اجتماع) در آن به شمار می‌رفت (ثقه الاسلام تبریزی، ۳۹۴). عمومی بودن مسجد ویژگی مهمی بود که دیگر مراکز یاد شده از آن برخوردار نبودند. از سوی دیگر، مسجد نهادی فراگیر و

سراسری بود؛ یعنی همه ایالات و ولایات مسجد داشتند. بنابراین، مسجد از عناصر و فضاهای شهری دوره قاجار بود که جایگاه یگانه‌ای در تأمین فضا برای اجتماعات به‌ویژه اعتراض‌های سیاسی قرار داشت و ویژگی‌های کالبدی این نهاد زمینه کارکرد سیاسی مسجد را فراهم می‌کرد. البته همه مساجد از ویژگی‌های پیش‌گفته برخوردار نبودند، بلکه این ویژگی‌ها در مساجدی یافت می‌شدند که بنابر گزارش‌های تاریخی، کانون اعتراضات مردم بودند.

ج) امنیت معترضان، بست‌نشینی در مسجد

امکان‌پذیری بست‌نشینی در مساجد، از مهم‌ترین ویژگی‌های مسجد در دوره قاجار بود که زمینه سیاسی شدن آنها را در انقلاب مشروطیت فراهم کرد. بست‌نشینی سستی بود که از اوایل این رواج یافت و ماندگاری‌اش از اوضاع مسلط بر ساختار سیاسی و نظام قضایی قاجاریان اثر می‌پذیرفت. فساد نظام قضایی دوره قاجار (عین السلطنه، ۴/ ۲۹۷۸؛ لمبتون، ۱۹۸) کارآمدی خود را در ادای حقوق افراد از دست داده بود و از این‌رو، مردم بست‌نشینی را کاری ناگزیر و وسیله خوبی برای فرار از نظام قضایی و سیاسی بی‌قانون آن روزگار برگزینند (وقایع اتفاقیه، ۲۱). افزون بر فساد نظام قضایی، زوالی که بر اثر نفوذ اروپاییان و سنگینی سایه استبداد گریبان همه شئون کشور را گرفته بود، بر گسترش بست‌نشینی؛ یعنی شیوه بازدارنده کارهای دل‌خواهانه دولت افزود (لمبتون، ۱۹۸). بست‌نشینی خود زائیده اوضاع مسلط بر نظام قضایی و سیاسی بود و چنان گسترش یافت که برخی از شاهان قاجار را به واکنش در برابرش واداشت. ناصرالدین شاه سنت بست‌نشینی را در مسجد شاه تهران لغو کرد. این سنت از اواسط حکومت جدوی آغاز شده بود و او با استناد به اجتماع مجرمان در آن‌جا، آن را لغو کرد تا دیگر آن مسجد محل بست نباشد (محبوبی‌اردکانی، ۹/ ۲ - ۱۷۸). امیرکبیر نیز برای کاستن از قدرت امام جمعه تهران مسجد وی را از بست بودن محروم کرد (گرانوسکی، ۳۵۳)، اما این رفتارها کارساز نبود؛ زیرا تنها مساجد مکان‌های بست نبودند، بلکه آرام‌گاه امامزادگان، مدارس دینی، توپخانه دولت، اصطبل حکام و امیران و وزیران (کاشانی، ۱۴۶)، سفارت‌خانه‌ها (دوراند، ۳۱)، کنسول‌گری‌ها (سرنا، ۳۴۲)، خانه اروپاییان (لندور، ص ۸۳) درب اندرونی زنان شاه (اعتمادالسلطنه، ۶۹۵) و خانه

علما (عین السلطنه، ۵/ ۳۸۴۷) نیز جاهایی برای بست‌نشینی به شمار می‌رفتند و تعرض به آنها به‌ویژه مکان‌های مقدس در حکم توهین به مقدسات بود (دوراند، ۳۱). مسجد در کنار این مکان‌ها هم نزد مردم همه ایالات و ولایات و هم نزد دولت (ویجویه‌ای، ۱۸۹)، مکان بست‌نشستن شناخته شده بود؛ چنان‌که عین‌الدوله در ماجرای جنگ‌های دولت با مجاهدان تبریز (۱۳۲۶ ق) پس از اعلام «اولتیماتوم» دو روزه به آنان برای تسلیم شدن، مردم تبریز را تشویق کرد که با حضور در مساجد محلات خود را نجات دهند (همان). این ویژگی مسجد افزون بر دو ویژگی یاد شده (پایگاه روحانیان و فضای شهری برای تحصن) موجب شد که مساجد در انقلاب مشروطیت به پایگاهی سیاسی برای اعتراض‌ها و اجتماع‌های مردم بدل شوند. مساجد زمینه را برای یورش دولتیان به جمع متحصنان از میان می‌بردند (ناظم الاسلام کرمانی، ۲۷۶؛ شوستر، ۲۰). استدلال متحصنان برای بست‌نشینی در مساجد در آستانه «مهاجرت کُبرا» نیز که دولت در آغاز بدان رخصت نمی‌داد، همین بود که «اگر زاویه مقدسه نمی‌شود رفت، در مسجد که می‌توان رفت؛ خانه خداست» (شریف کاشانی، ۱۰۸).

متحصنان و دولت آگاه بودند که دولت نمی‌تواند مستقیم به مساجد یورش ببرد. مهم‌ترین رفتار دولت در انقلاب مشروطیت برای در هم شکستن اجتماعات مساجد به‌ویژه در تهران این بود که عین‌الدوله برای جلوگیری از تجمع مردم در آنها، «حکومت نظامی» اعلام کرد تا مردم شب‌ها در مساجد گرد نیایند. هم‌چنین بار دیگری پس از تحصن معترضان در مسجد جامع، آن‌جا را محاصره و از رسیدن آب و غذا به معترضان جلوگیری کرد (کسروی، ۱۵۸ - ۱۵۰). توپ زدن رکن‌الدوله والی خراسان به حرم امام رضا (ع) و مسجد گوهرشاد در دوران استبداد صغیر به‌انگیزه در هم شکستن اجتماعات سیاسی، به اندازه‌ای مردم را برانگیخت که نخست به خانه عبدالله‌خان رئیس قزاق‌خانه بمب انداختند و بی‌درنگ رکن‌الدوله را از حکومت خراسان عزل کردند (تلگرافات، ۹ - ۳۲۷). بنابراین، حرمت مسجد در جامعه مسلمان ایران در دوره قاجار، امنیت معترضان را در انقلاب مشروطیت برمی‌آورد و موجب تمرکز کوشش‌های سیاسی در آن‌جا می‌شد و این خود عامل سوم کارکرد سیاسی مسجد در پیش‌رفت انقلاب مشروطیت به شمار می‌رفت.

کارکردهای سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت

الف) نقش رسانه‌ای - تبلیغاتی مسجد

تأثیر رسانه‌ای مسجد و منبر، از دیگر کارکردهای سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت بود. تنها مشروطه‌خواهان از این کارکرد بهره‌مند نبودند، بلکه افزون بر آنان، دولت و مخالفان مشروطه به شکل‌های گوناگونی از آن سود می‌جستند. تأثیر رسانه‌ای مسجد در انقلاب مشروطه پیش از صدور فرمان مشروطه (جمادی الثانی ۱۳۲۴) با تأثیرش پس از آن فرمان، متفاوت بود. اطلاع‌رسانی در هر دو بهره یکسان می‌نمود، اما درون‌مایه پیام‌ها و اخبار، در این دو زمان با یکدیگر متفاوت بودند و از روی داده‌های سیاسی دگرگون‌شونده تأثیر می‌پذیرفتند و با تغییر اوضاع سیاسی، کارکردهای رسانه‌ای و تبلیغاتی مسجد نیز تازه می‌شد. تأثیر رسانه‌ای مسجد را در انقلاب مشروطه در زمینه‌های «انتقاد از اوضاع موجود»، «شناسایی مفاهیم نوپدید در منبرها و مساجد» و «آگاهی‌بخشی درباره اخبار و روی‌دادهای و کنش‌های سیاسی دولت، مخالفان مشروطیت، مشروطه‌خواهان و گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی» می‌توان بررسیید.

مسجد مهم‌ترین رسانه‌ای بود که مشروطه‌خواهان از آن بهره می‌بردند و بازوی رسانه‌ای رهبران مشروطه و مشروطه‌خواهان به شمار می‌رفت. دو گروه از روحانیان در سنجش با هم‌تایان خود در انقلاب مشروطه تأثیرگذارتر بودند: کسانی که رهبری حرکت مشروطه‌خواهی را بر عهده داشتند؛ کسانی که به واعظان یا وعاظ آوازه داشتند. واعظان رسانه‌های مشروطه‌خواهی بودند؛ رهبران مشروطه منبر را اصلی‌ترین رسانه خود و واعظان را زبان رسانه‌ای خود برگزیده بودند و گاهی خود مستقیم یا از طریق انتشار «اعلامیه»، با مردم پیوند داشتند و روی‌کردها و درخواست‌هایشان را از زبان واعظان به مردم منتقل می‌کردند (کسروی، ۱۳۴). افزون بر رهبران مشروطه، گروه‌های دیگری از رسانه مسجد و منبر بهره می‌بردند. مراجع تقلید عتبات که با حرکت مشروطه‌خواهی هم‌سو بودند، سخنان و درخواست‌های خود را از طریق تلگراف به ایالات می‌فرستادند و از سوی دیگر، با واعظان پیوند داشت و از طریق نامه مقصود خود را به آنان می‌رساندند و تأکید می‌کردند که درباره آنها بر منبرها و مساجد با مردم سخن بگویند (ناظم الاسلام کرمانی، ۶-۲۶۵).

گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی نیز مسجد را رسانه خود می‌دانستند؛ یعنی آنان نیز از مسجد و منبر برای طرح خواست‌ها و روی‌کردهای سیاسی‌شان بهره می‌گرفتند. برای نمونه، «هیئت اسلامی» از انجمن‌هایی که در آستانه مشروطیت تأسیس شده بود، در آستانه «مهاجرت صغرا» (شوال ۱۳۲۳) در نامه‌ای به سیدین از آنان خواست که به واعظان همراهشان بپیوندند تا بر منبر بگویند: «خرابی درچه هست و جهت تحصن در چه» (شریف کاشانی، ۸۹). افزون بر این گروه‌های مرجع که نقش رهبری و هدایت‌گری را در حرکت مشروطه‌خواهی بر عهده داشتند، مهم‌ترین گروهی که مسجد را رسانه و محل آگاهی از اخبار و اطلاعات و روی‌دادها می‌دانست، توده مردم فعال در انقلاب مشروطه بود. مسجد برای آنان مکانی به شمار می‌رفت که دیدگاه حکومت، رهبران مشروطه، مراجع تقلید و گروه‌های گوناگون سیاسی درباره جنبش طرح می‌شد و تازه‌ترین خبرها درباره روی‌دادهای تهران و دیگر ایالات و ولایات که از طریق تلگراف رسیده یا از طریق اعلان‌ها در مساجد پخش یا بر منابر خوانده یا از طریق شب‌نامه‌هایی بر دیوار مساجد نصب یا از طریق روزنامه‌هایی بر منبرهای مساجد خوانده شده بود، بر منبرش طرح می‌شد (ثقه الاسلام تبریزی، ۸۹؛ عین‌السلطنه، ۷/ ۵۷۱۷؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۶۱).

بنابراین، مسجد مهم‌ترین رسانه همه کنش‌گران انقلاب مشروطیت بود که پیش از صدور فرمان مشروطیت رسانه‌ای فعال در سه بخش یاد شده به شمار می‌رفت:

۱. رهبران حرکت مشروطه‌خواهی در تهران و ایالات همراه با واعظان اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را می‌نکوهیدند. آگاهی‌بخشی مهم‌ترین هدف این افراد بود؛ چنان‌که بر منبرها می‌رفتند تا از این طریق مردم را برای تغییر آماده کنند. آنان در این مرحله درباره مظلومیت ملت، ظلم حُکام، قبیح استبداد، انتقاد از ملاکان و مباشران آنان در روستاها (ویجویه‌ای، ۱۱۱ - ۱۰۹؛ ثقه الاسلام تبریزی، ۹۱)، فساد اعمال درباریان (کتاب آبی، ۶/ ۱) و عزل عین‌الدوله و موسیو نوز بلژیکی (شریف کاشانی، ص ۷۷) به سخن‌رانی می‌پرداختند و در ایالتی مانند تبریز به مسائلی همچون شکست فتح‌علی شاه قاجار و از دست رفتن قفقاز اشاره می‌کردند (کسروی، ۲۷۰). گاهی نقد دولت بر منبرها به اندازه‌ای تند می‌شد که به برخورد حکومت با برخی از واعظان

می‌انجامید و آنان را از حضور بر منبرها منع می‌کرد (کتاب نارنجی، ۴/ ۷۹۴).

پس از شرح اوضاع موجود کشور و آماده کردن ذهن مردم، مرحله دیگری از نقش‌آفرینی منبر و مسجد در آگاهی‌بخشی به مردم آغاز می‌شد. واعظان و اهل منبر در این مرحله مفاهیم نوپدید ادبیات سیاسی ایران را در زمینه برپایی حکومتی قانونی و مشروطه به مردم منتقل می‌کردند. به‌رغم اینکه چنین مفاهیم جدید را نخستین بار دیگران به کار برده بودند، تبیین و شرح و انتقال آنها به توده مردم فعال در فرآیند انقلاب، از طریق منبرها و مساجد صورت می‌پذیرفت. مفاهیم تازه‌ای که در مرحله نخست انقلاب مشروطیت در عرصه عمومی مطرح شد، به واسطه نوخواهان و روشن‌فکران به ایران آمدند و خاستگاه آنها نه سنت که عصر جدید و کشورهای اروپایی بود، اما روشن‌فکران آن مفاهیم را در همان قالب مطرح در کشورهای اروپایی به عرصه عمومی نیاوردند، بلکه تلاش می‌کردند آنها را با آموزه‌های دینی (اسلامی) و فضای عمومی کشور سازگار کنند. برای نمونه، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در یک کلمه، مواد اساسی اعلامیه حقوق بشر را در قالب احادیث و آیات قرآنی عرضه کرد تا نگویند با اصول شرع مخالف است (آجودانی، ۲۵۶). پس از مشروطیت نیز علامه نایینی در اثر معروفش، *تنبيه الامه و تنزيه المله*، به توجیه شرعی و اسلامی مشروطه پرداخت. بنابراین، مفاهیم تازه‌ای را که روحانیان بر منابر به مردم منتقل می‌کردند، نسخه اسلامی شده همان مفاهیم اروپایی بود و روشن‌فکران نیز این کارکرد منبرها را می‌پسندیدند؛ زیرا تنها رسانه آنان برای انتقال آن مفاهیم، روزنامه بود که در سنجش با منبر، محدودیت‌های بسیاری داشت. از این‌رو، به واسطه تأثیرگذاری فراوان رسانه شفاهی منبر که در دست انحصار روحانیان بود، کوشش آنان را در انتقال مفاهیم جدید پاس می‌داشتند.

گروهی از روحانیان پس از نخستین مرحله انقلاب مشروطیت، به جرگه مخالفانش پیوستند، اما همچنان به پذیره کارکرد رسانه‌ای مسجد در انتقال مفاهیم جدید می‌رفتند؛ زیرا خود از همان ابزار برای مخالفت با مشروطیت سود می‌جستند؛ چنان‌که مخالفان آنان نیز هم‌زمان از ابزار مسجد و منبر برای تحقق هدف‌های مشروطیت بهره می‌بردند. روحانیان پیرو مشروطیت با تبیین و شرح و انتقال مفاهیم تازه‌ای که بیش‌تر از زمینه

های اروپایی برخاسته بودند، گونه‌ای از مشروعیت می‌بخشیدند و در این فرآیند مسجد بستر چنین کاری را فراهم می‌کرد. روحانیان مخالف مشروطه پس از انقلاب مشروطیت، به تقابل برخاستند و درباره ناسازگاری برخی از مفاهیم نوپدید با آموزه‌های دینی یادآوری کردند. عامل مهمی که در این مرحله به موفقیت واعظان انجامید و موجب شد که این مفاهیم به مردم منتقل شوند، «زبان» بود. بیش‌تر واعظان در ماجرای انقلاب مشروطیت، برای انتقال مفاهیم جدید و غریب به جای کاربرد زبان مُطَنَّنِ پیشین، از زبان کوچه و بازار سود می‌جستند و این خود بازار کار آنان را گرم می‌کرد (دولت‌آبادی، ۱۳). سیدجمال‌الدین اصفهانی، نمونه برجسته این واعظان بود. او افزون بر وعظ‌های شجاعانه‌اش که مردم را به مساجد او می‌کشاند، زبان ساده و کوچه‌بازاری با گویش عامیانه میدان کهنه‌ای اصفهان داشت و این ویژگی در رونق کار او بسیار مؤثر بود (مستوفی، ۱/ ۸۶۶). بهره‌گیری از زبان کوچه بر منبرهای ایالات نیز رواج داشت؛ چنان‌که شیخ سلیم در تبریز بر منبر با زبان روستایی با مردم سخن می‌گفت (کسروی، ۲۰۱). این واعظان برای تأثیرگذاری بیش‌تر در مخاطبان خود و برای تأیید سخنانشان، از قرآن و احادیث گواه می‌آوردند (همان، ۲۷۰). باری، مفاهیمی همچون مشروطه و معنای آن، (کسروی، ۱/ ۳۱۳)، قانون و آزادی (جمال‌زاده، ۲۵)، برابری و مساوات (کسروی، ۲۷۰)، وطن (کتاب آبی، ۱/ ۲۶)، خوبی‌های حکومت مشروطه و آموزش جدید (ویجویه‌ای، ۱۱۱)، بر این منبرها برای توده مردم شرح می‌شد.

پس از این مرحله، نوبت بسیج توده‌های مردم و برانگیختن آنان برای تجمع و حرکت‌های اعتراضی فرامی‌رسید؛ چنان‌که در بسیاری از مساجد، بازاریان را به بستن دکان‌های خود و پیوستن به جرگه معترضان، تحریک می‌کردند (کتاب آبی، ۱/ ۲۶۷). در برخی از ایالات، مردم را برای شورش در برابر ملاکان و مباحثران آنان در روستاها برمی‌انگیختند (ثقه‌الاسلام تبریزی، ۹۱). بنابراین، خیزش‌های اعتراضی مردم از مساجد آغاز می‌شد که به صدور فرمان مشروطیت انجامید.

پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی (۱۳۲۴ ق)، تغییراتی در نقش رسانه‌ای مسجد پدید آمد. محتوای سخنانی که پیش از مشروطیت از منبرها شنیده می‌شد، بیش‌تر به نقد وضع موجود کشور و شرح و نقل مفاهیم جدید، معطوف

بود، اما واعظان و پیروان مشروطه پس از تحقق مشروطیت، بیش‌تر بر روی داده‌های روزانه و رفتارهای مخالفان مشروطه تأکید می‌کردند. سخنان آنان این بار افشاگرانه بود؛ یعنی از مسائل پشت پرده روی‌داها سخن می‌گفتند و با اشاره به مصادیقی از کارهای محمدعلی شاه و پیروان او، در تحریک مردم برای ایستادگی در برابر مخالفان مشروطیت می‌کوشیدند (کتاب نارنجی، ۱/ ۱ - ۷۰؛ کتاب آبی، ۱/ ۱۱۶). بسیج توده‌های مردم در این برهه نیز از دیگر کارهایی بود که در مساجد سامان می‌یافت. واعظان تبریز پس از توپ خوردن مجلس شورای ملی و آغاز مبارزه مجاهدان تبریز بر ضد استبداد صغیر، مردم را به آموزش تیراندازی و سپاهی‌گری برای مقابله با مستبدان برمی‌انگیختند (کسروی، ۲/ ۵۶۲). مسجدها و منبرها در ماجرای اولتیماتوم روسیه به ایران نیز به مکانی برای مقابله با استعمار خارجی بدل شدند (کسروی، ۴۵). مسجد این‌بار نقش رسانه‌ای خود را در این زمینه نمایاند.

۲. افزون بر مشروطه‌خواهان که مسجد مهم‌ترین رسانه آنان بود، دیگر گروه‌های فعال در فرآیند انقلاب مشروطیت از این ابزار به سود جبهه مخالفان مشروطه بهره می‌بردند. حکومت قاجار خود از گروه‌های درگیر در انقلاب بود که افزون بر سود جستن از ابزارهای اطلاع‌رسانی جدید مانند روزنامه‌ها و رسانه سنتی مانند جارچی‌ها، از مسجد بهره می‌برد. حکومت روزنامه‌هایی را برای تبلیغ و رساندن دیدگاه‌های خود در دست داشت، اما بر اثر محدودیت‌هایش، در انقلاب مشروطیت به سود حکومت چندان تأثیر نمی‌گذارد. بی‌کارکرد بودن روزنامه برای حکومت نخست از محدودیت آماری (تیراژ) آن سرچشمه می‌گرفت؛ یعنی تنها در تهران پخش می‌شد. هم‌چنین بر اثر پایین بودن سطح سواد عمومی، بسیاری از مردم خواندن نمی‌دانستند. افزون بر اینها، بسیاری از اخبار و روی‌دادهای در روزنامه‌ها گزارش نمی‌شد. محدودیت‌های دیگر رسانه حکومت؛ یعنی جارکشی نیز روشن است. از این‌رو، حکومت برای اعلام دیدگاه رسمی سیاسی و فرمان‌هایش درباره روی‌دادهای انقلاب مشروطیت، به رسانه‌ای فراگیرتر و سراسری نیاز داشت و مسجد کارآمدترین رسانه در این زمینه بود. مساجد در همه جای کشور محل اصلی تجمعات اعتراضی مردم بودند و حکومت بدین ابزار می‌توانست مستقیم با توده معترضان پیوند داشته باشد. حکومت افزون بر تهران که کانون تحولات

سیاسی مشروطه‌خواهی بود، در ایالات از طریق مساجد و تلگراف، دیدگاه‌های رسمی خود را به مردم منتقل می‌کرد (ظهیر الدوله، ۳۵۳). مسجد، هم پیش از انقلاب مشروطه و هم بعد از صدور فرمان مشروطیت، رسانه‌ای برای اعلام دیدگاه رسمی حکومت به شمار می‌رفت. افزون بر حکومت قاجار که مهم‌ترین نیروی مخالف مشروطه‌خواهی بود، گروه‌های دیگری از مسجد و منبر برای رساندن مخالفت خود با مشروطه، بهره می‌بردند. گروهی از روحانیان نزدیک به دربار از منبر سود می‌جستند تا از سلطنت دفاع کنند (شهری، ۱/ ۴۲۱).

مسجد و منبر پس از مشروطیت و پس از گشایش مجلس شورای ملی، به ابزاری در دست روحانیان مخالف مشروطه بدل شده بود؛ چنان‌که سید علی آقا یزدی از روحانیان نزدیک به دربار بر منبر مسجد شیخ عبدالحسین، سید حسن تقی‌زاده و میرزا صادق مستشار الدوله را تکفیر کرد (کسروی، ۴۷۸). بنابراین، مسجد هم برای موافقان مشروطه و هم برای مخالفان مشروطه، کارکردهای رسانه‌ای و تبلیغاتی گوناگونی داشت.

ب) کانون برگزاری اجتماعات سیاسی

مسجد هم‌چنین جایی برای سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی فعال در انقلاب بود و بیش‌تر تصمیم‌های رهبران مشروطه درباره حرکت‌های اعتراضی، در مساجد تحقق می‌یافت. برای تبیین این دعوی، از شرح روی‌دادها خودداری و بیش‌تر بر ماهیت اجتماعات سیاسی قبل و بعد از صدور فرمان مشروطیت و شیوه‌گزینش مساجد و دغدغه‌های رهبران مشروطه در این زمینه، تأکید می‌شود.

مساجد و آرام‌گاه‌های برخی از امامزادگان در فرآیند حرکت مشروطه‌خواهی و پیش از صدور فرمان مشروطیت، در همه ایالات و ولایات و حتی در برخی از روستاها (کسروی، ۲۸۱)، تنها جای اجتماعات سیاسی بودند. این روند پس از مشروطیت تغییر کرد و بیش‌تر انجمن‌های ایالتی و ولایتی تأسیس شده در شهرها، جانشین مساجد در این زمینه شدند، اما این به معنای از میان رفتن کارکرد مسجدها در این زمینه نبود؛ زیرا انجمن‌های ایالتی و ولایتی در بسیاری از ایالات و ولایات بر پا نشده بودند و مساجد آنها همچنان کارکرد رسانه‌ای داشتند. در آستانه انقلاب مشروطیت یکی از مساجد مهم و بزرگ هر شهری که حرکت مشروطه‌خواهی در آن آغاز شده بود، برای برگزاری

اجتماعات در آن، برگزیده می‌شد. این مساجد، یا مسجدهای جامع شهرها بودند یا مساجد شاه یا مساجد معتبر دیگری که امکان سازمان‌دهی معترضان در آنها فراهم می‌شد. مسجد جامع و مسجد شاه تهران که کانون تحولات به شمار می‌رفت، پیش از صدور فرمان مشروطیت مرکز اجتماعات به شمار می‌رفتند و پس از مشروطیت و تأسیس مجلس اول شورای ملی، جای خود را به مسجد سپهسالار واگذارند (براون، ۱۹۷). مسجد سپهسالار کنار مجلس شورای ملی بود و از این‌رو، برای برپایی اجتماعات، آن را برگزیدند. این نقش را در اصفهان، مسجد شاه بر عهده داشت (عین‌السلطنه، ۵/ ۳۹۶۸). مسجد گوهرشاد مشهد (تهرانی، ۷۲) و مسجد بیگلریگی تبریز (ثقه‌الاسلام تبریزی، ۷۵) نیز مرکز اجتماعات سیاسی بودند. برگزیدن این مساجد برای برپایی اجتماعات در آنها - جز زمان‌هایی - تابع دغدغه‌های رهبران مشروطیت در شهرها و نخستین عامل مؤثر در انتخاب مساجد، امکان‌پذیری تجمع توده معترض در آنها بود؛ زیرا اجتماع در مساجد گوناگون به پراکندگی نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب می‌انجامید. از این‌رو، مسجد معینی را برای اجتماع می‌بایست بر می‌گزیدند. پس از اینکه نعلش سید عبدالحمید را در آستانه مهاجرت کبرا به مسجد جامع تهران بردند، بسیاری از مردم و رهبران آنان در مسجد جامع گرد آمدند، اما آقا سید محمد طباطبایی پس از شنیدن این خبر در مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین، از مدارس و مساجد معتبر تهران تحصن کرد و با پیام آقا سید عبدالله بهبهانی: «به ملاحظاتی مسجد جامع بهتر است»، به متحصنان مسجد جامع پیوست (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۴۰۵). ناظم‌الاسلام درباره آن ملاحظات سخنی به میان نیاورده است. گمان می‌رود جلوگیری از دو دستگی معترضان، از آن ملاحظات بوده باشد. انتخاب مسجد واحدی برای مرکز اجتماعات سیاسی تبریز نیز در جمع رهبران مشروطه مطرح شد (ثقه‌الاسلام تبریزی، ۱۴).

عامل مؤثر دیگر در انتخاب این مساجد، گنجایی آنها بود؛ یعنی اینکه شمار بیشتری را از مجتمعان بتوان در آن‌جا سازمان داد و مردم از دید «مخابرات» در مضیقه نباشند و سریع‌تر و آسان‌تر اخبار را دریافت کنند (همان). سومین عامل در برخی از ایالات این

بود که مسجد به ارگ دولتی نزدیک نباشد؛ زیرا مردم این ایالات درباره یورش نیروهای دولتی به مسجد و آسیب رسیدن به معترضان و بسته شدن راه رفت و آمد، اندیشناک بودند؛ چنان‌که بر پایه رایزنی‌هایی که در تبریز برای گزینش مسجد محل اجتماعات صورت می‌گرفت، به‌رغم اختلاف‌های افراد با یک‌دیگر در این‌باره، مسجد شاهزاده که بیش‌تر محل اجتماع عمومی بود، بر اثر «قرب جوار[ش] با عمارت دولتی»، به اتفاق رأی همه افراد برگزیده نشد (ثقه الاسلام تبریزی، ۷۴). گاهی از شیوه‌های دیگری برای انتخاب مساجد بهره می‌بردند؛ چنان‌که در آستانهٔ توپ خوردن مجلس شورای ملی، برای برپایی تجمع در مسجد جامع یا مدرسهٔ ناصری، استخاره کردند و بر پایه نتیجه استخاره، در مدرسه ناصری گرد آمدند (شریف کاشانی، ۲۸۰).

هدف‌های اجتماعات سیاسی در مساجد پیش و پس از صدور فرمان مشروطه با یک دیگر متفاوت بود؛ پیش از صدور فرمان مشروطه هدف اصلی اجتماعات دست‌یابی به عدالت‌خانه و حکومت قانون و تأسیس مجلس شورا بود، اما پس از مشروطه بر حفظ دست‌آوردهای مشروطیت به‌ویژه مجلس شورای ملی تأکید می‌کردند. بیش‌تر اجتماعاتی که پس از مشروطیت و پس از توپ خوردن مجلس شورای ملی در ایالات و ولایات برگزار می‌شدند، به بازگرداندن مشروطیت (کتاب آبی، ۳۸۳/۲)، عزل مخالفان مشروطه حاضر در دربار (کتاب نارنجی، ۷۰/۱)، عزل حکام مخالف مشروطه در ایالات (روزنامهٔ انجمن ملی اصفهان، ۲ صفر ۱۳۲۵، ۴؛ روزنامهٔ انجمن تبریز، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ۱) و یافتن محل تصمیم‌گیری درباره شیوه مقابله با مخالفان مشروطه (شیخ‌الاسلام، ۸۱)، معطوف بود. مسجد در هر دو دوره (پیش و پس از صدور فرمان مشروطیت)، به‌رغم ناهم‌سانی هدف‌های اجتماعات سیاسی با یک‌دیگر، مهم‌ترین قانون تجمعات به شمار می‌رفت.

ج) محل برپایی انجمن‌های سیاسی

مجلس اول شورای ملی برای سامان‌دهی انجمن‌های صنفی و سیاسی موجود و تأسیس انجمن‌های جدید، قانون‌هایی را تصویب کرد. بر پایه مادهٔ ۲۱ متمم قانون

اساسی، تأسیس انجمن‌ها و برپایی اجتماعات مشروط به اینکه مولد فتنه دینی و دنیوی و مُخل نظم نباشند، در کشور آزاد بود (متمم قانون اساسی، در براون، ۳۳۲). پس از تصویب این قانون، انجمن‌های رسمی؛ یعنی انجمن‌های بلدی، ایالتی و ولایتی، و انجمن‌های غیر رسمی وابسته به افرادی با منافع مشترک محلی و سیاسی، در ایالات تأسیس شدند. مسجد در فرآیند پیدایی و ماندگاری انجمن‌های رسمی چندان تأثیر نگذارد؛ جز اینکه میزبان برگزاری نشست‌های مشاوره داوطلبان تأسیس انجمن ایالتی در برخی از ایالات بود (روزنامه بشارت، ۲۲ محرم ۱۳۲۵، ۴)، اما درباره انجمن‌های غیر رسمی (صنفی و سیاسی)، مسجد در ایالات گوناگون، نقش‌های گوناگونی داشت. گروه‌ها و صنف‌های سیاسی برای تأسیس انجمن، به‌انگیزه مشاوره درباره چگونگی تأسیس آن، نشست‌های منظمی در مساجد برگزار می‌کردند (تهرانی، ۱۶۷). پس از تأسیس انجمن‌ها، مساجد به محل برگزاری نشست‌های انجمن‌ها بدل می‌شدند؛ چنان که مسجد شاه اصفهان چنین کارکردی داشت و انجمن سادات، بزرگ‌ترین انجمن آن شهر، نشست‌های خود را پیوسته در آن‌جا برگزار می‌کرد (روزنامه انجمن ملی اصفهان، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵، ۸). مسجد گوهرشاد مشهد میزبان برگزاری انجمن‌های رسمی و غیر رسمی انجمن‌های آن شهر بود (عین‌السلطنه، ۳). مرکز اصلی برپایی نشست‌های انجمن‌های تهران، مسجد سپهسالار نزدیک مجلس شورای ملی بود و اعضای انجمن می‌توانستند از این طریق پیوسته با مجلس مرتبط باشند. انجمن‌ها با نصب نوشته‌ای (تابلویی) بالای یکی از حجره‌های مسجد مدرسه سپهسالار که معرف هر یک از آنها بود، نشست‌های خود را در آن‌جا برگزار می‌کردند. گاهی شمار این انجمن‌ها به ۱۸۰ می‌رسید (همان، ۲۰۹۵). مسجد سپهسالار بر اثر جایگاه مکانی و ویژگی‌های کالبدی‌اش، انجمن‌های فراوانی را در خود جای می‌داد. افزون بر مسجد سپهسالار، مسجد مدرسه صدر محل برپایی انجمن اتفاقیه و طلاب، از نخستین انجمن‌های پس از مشروطیت به شمار می‌رفت (دولت‌آبادی، ۱۶۴/۲). انجمن اتفاقیه و طلاب پس از فراخوان‌های گسترده خود، از مدرسه مروی نیز بهره می‌بردند (کتاب نارنجی، ۱/۱۰۰). مسجد در دیگر ایالات نیز چنین کارکردی برای انجمن‌ها داشت. انجمن‌ها مکانی برای برگزاری نشست‌ها و سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی نداشتند و از این‌رو، بسیاری از

آنها مسجد را مهم‌ترین پایگاه خود می‌دانستند.

نتیجه

کارکردهای سیاسی مسجد برای پیش‌رفت فرآیند انقلاب مشروطیت، از ماهیت ارتباط مسجد سرچشمه می‌گرفت که نماد جسمانی دین و نهاد روحانیت (متولیان امور دینی جامعه) بود. پس از افزایش کنش سیاسی روحانیان و ورود آنان به عرصه‌های سیاسی و رهبری جنبش‌های سیاسی، پایگاه سنتی روحانیان (مسجد) نیز کارکرد سیاسی داشت و در انقلاب مشروطیت، از کانون‌های روی‌دادها به شمار می‌رفت. نبود فضاهای عمومی شهری مناسب برای تحصن‌های سراسری و برخورداری مسجد از ویژگی‌هایی کالبدی، موجب شد که این مکان در بسیاری از شهرها و حتی روستاها به یگانه مکان گرد آمدن معترضان و متحصنان بدل شود. این دومین عاملی بود که به تأثیرگذاری مسجد در انقلاب مشروطیت انجامید. بست بودن مسجد، سومین عامل مؤثر در نقش‌آفرینی سیاسی مسجد در انقلاب مشروطیت به شمار می‌رفت؛ زیرا معترضان با تحصن در مساجد از سرکوب‌گری دولتیان برکنار بودند و مسجد امنیت آنان را برمی‌آورد.

مسجد در انقلاب مشروطیت رسانه اصلی همه گروه‌های موافق و مخالف مشروطه نیز به شمار می‌رفت؛ یعنی بازوی رسانه‌ای مشروطه‌خواهان و رهبران مشروطه بود که از طریق آن مفاهیم جدید را به توده مردم منتقل و نیروهای مختلف مشروطه‌خواه را در آنها بسیج و سازمان‌دهی می‌کردند و گروه‌های مخالف مشروطه آن را رسانه‌ای برای اعلام دیدگاه‌های رسمی خود بر می‌گزیدند. مسجد افزون بر نقش رسانه‌ای خود در فرآیند انقلاب مشروطیت، کانون برگزاری اجتماعات سیاسی و جایی برای سازمان‌دهی انجمن‌های سیاسی بود.



کتاب‌نامه

۱. آجدانی، لطف الله (۱۳۸۳)، *علماء و انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، اختران.
۲. آدمیت، فریدون (۲۵۳۵)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، انتشارات پیام.
۳. ا.آ. گراتوسکی و دیگران (۱۳۵۹)، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات پویش.
۴. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره یکم، شماره ۴.
۵. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۹)، *روزنامه خاطرات / اعتماد السلطنه*، مقدمه و فهرست ایرج افشار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۶. — (۱۳۵۷)، *صدر التواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران، روزبهان.
۷. براون، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران، انتشارات کویر.
۸. بی‌نا (۱۳۶۱)، *وقایع اتفاقیه؛ مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس*، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، نشر نو.
۹. بی‌نا (۱۳۶۳-۱۳۶۵)، *کتاب آبی*، به کوشش احمدبشیری، تهران، نشر نو.
۱۰. بی‌نا (۱۳۶۸)، *کتاب نارنجی*، ترجمه حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر پرواز.
۱۱. بی‌نا، *کتاب نارنجی*، ترجمه پروین منزوی، تهران، نشر پرواز.
۱۲. بی‌نا (تابستان ۱۳۸۶)، «تلگرافات»، *مجله یاد*، شماره ۸۴.
۱۳. تهرانی (میرخانی)، سیدمصطفی (۱۳۸۵)، *سفرنامه گوهر مقصود*، به کوشش زهرا میرخانی، تهران، میراث مکتوب.

۱۴. ثقه الاسلام تبریزی، میرزاعلی (۱۳۸۹)، *رسائل سیاسی*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران، نشر چشمه.
۱۵. — (۲۵۳۵)، *مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام شهید تبریزی*، به کوشش نصرت الله فتاحی، تهران، انجمن آثار علمی.
۱۶. جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۰)، *خاطرات سید محمد علی جمال زاده*، به کوشش ایرج افشار و علی دهباشی، تهران، نشر شهاب ثاقب؛ سخن.
۱۷. جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو*، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران، نشر علم.
۱۸. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۹. خاوری شیرازی، میرزا فضل الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، انتشارات زوار.
۲۱. دوراند، ار. (۱۳۴۶)، *سفرنامه دورانند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم آباد، کتاب فروشی محمدی.
۲۲. دولت آبادی، محمود (۱۳۹۱)، *میم و آن دیگران*، تهران، نشر چشمه.
۲۳. دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، تهران، انتشارات عطار و فردوسی.
۲۴. — (بی تا)، *تاریخ معاصر حیات یحیی*، تهران، چاپخانه چهر.
۲۵. روزنامه بشارت (سال اول، شماره ۱۲، ۲۴ محرم ۱۳۲۵)، بی جا، بی نا.
۲۶. روزنامه انجمن تبریز (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵)، سال اول، شماره ۹۲.
۲۷. روزنامه انجمن ملی اصفهان (سال اول، شماره ۱۱، دوم صفر ۱۳۲۵؛ شماره ۳۱، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵)، بی جا، بی نا.
۲۸. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷)، *رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات

وتوسعه علوم انسانی.

۲۹. سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، مردم و دیدنی‌های ایران؛ سفرنامه

کارلا سرنا، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو.

۳۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴)، تاریخ مدارس ایران از آغاز

تا تأسیس دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه.

۳۱. شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، تاریخ مشروطیت، به کوشش

سیروس سعدوندیان، تهران، نگارستان کتاب.

۳۲. شوستر، ویلیام مورگان (۱۳۸۹)، اختناق ایران، ترجمه حسن افشار،

تهران، نشر آبی.

۳۳. شهری، جعفر (۱۳۸۳)، طهران قدیم، تهران، انتشارات معین.

۳۴. شیخ الاسلام، میرزا عبدالامیر (۲۵۳۶)، دو سند از انقلاب مشروطه

ایران، به کوشش غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات توکا.

۳۵. ظهیرالدوله (۱۳۵۱)، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش

ایرج افشار، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۳۶. عضدالدوله، احمد میرزا (۱۳۶۲)، تاریخ عضدی، تهران، مؤسسه انتشاراتی

سرو.

۳۷. عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۸/۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین

السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر.

۳۸. فلاندن، اوژن (۱۳۲۴)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه

حسین نور صادقی، بی‌جا، چاپخانه روزنامه نقش جهان.

۳۹. کاشانی، میرزا سیدحسن (۱۳۸۰)، مکالمه سیاح ایرانی با شخص

هندي، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، انتشارات کویر.

۴۰. کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی

وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴۱. کسروی، احمد (۱۳۷۹)، تاریخ مشروطه ایران، پیش‌گفتار رحیم

رضازاده ملک، تهران، صدای معاصر؛ انتشارات مجید.

۴۲. — (۲۵۳۷)، تاریخ هیجده ساله آذربایجان یا سرنوشت گردان و دلیران، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۳. — (بی‌تا)، زندگانی من، تهران، انتشارات بنیاد.
۴۴. لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۳)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۵. لندور، آرنولد هنری ساویج (۱۳۸۸)، ایران در آستانه مشروطیت؛ در سرزمین آرزوها، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۴۶. محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران؛ تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۴۷. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، نشر هرمس.
۴۸. ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، تاریخ بیداری ایران، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۹. ویجویه‌ای، محمدباقر (۱۳۸۶)، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.